

تبیین اصول مناظره در اسلام بر اساس مناظرات امام رضا^{علیه السلام}

افشین سلیمی وردجانی^۱

چکیده

از مهم‌ترین روش‌های اثبات حقانیت معارف اسلامی در مکتب پیامبران و اهل بیت^{علیهم السلام} در برخورد با جریان‌های اندیشه‌ورز مخالف، احتجاج‌ها و مناظراتی بوده که در طول تاریخ از سوی ایشان یا تربیت‌یافتگان مکتب آن‌ها انجام شده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که اصول حاکم بر مناظره از دیدگاه امام رضا^{علیه السلام} چیست؟ یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که اصول به کار گرفته‌شده از سوی امام رضا^{علیه السلام} در مناظرات به دو اصل کلی علمی - منطقی و اخلاقی قابل دسته‌بندی است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که هدف امام رضا^{علیه السلام} از تقید به رعایت همه اصول مناظره، هدایت و روشن‌گری مخاطب بوده است و در همه مناظرات، پیروز بوده است؛ بنابراین مناظرات ایشان الگوی کاملی برای مناظرات در اسلام است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا^{علیه السلام}، مناظره، اصول علمی و منطقی، اصول اخلاقی.

۱- مقدمه

در دستورهای اسلام، مناظره و تبادل نظر به عنوان ابزاری کارآمد و مؤثر در تبلیغ و دفاع از دین، معرفی شده است. تاریخ ادیان توحیدی، بیانگر آن است که پیامبران بزرگ الهی، بارها از این ابزار مهم استفاده کرده‌اند. مناظره و گفتگوهای پیامبرانی همچون: حضرت نوح، ابراهیم، شعیب، موسی و عیسی^{علیهم السلام} با کافران و مخالفان قوم خود، نشانه‌ای بر صدق این ادعاست (ر.ک: انعام: ۵۲ و ۵۹؛ شعرا: ۴۱ و ۶۱؛ مریم: ۶۱ و ۶۵؛ طه: ۶۱ و ۴۱). همچنین در قرآن کریم، خداوند متعال، خطاب به پیامبر^{صلی الله علیه و آله} می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰.

۱. مربی پژوهشکده امام خمینی^{علیه السلام} و انقلاب اسلامی/تهران/ایران

الْحَسَنَةُ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن» (نحل: ۱۲۵).

بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام بارها از مناظره به عنوان ابزار تبلیغی - آموزشی جهت ترویج دین و اثبات حقانیت معارف الهی بهره برده و این شیوه را به پیروان خویش نیز تأکید کرده‌اند؛ ولی اجازه این کار را به کسانی می‌دادند که به قدر کافی توانایی و قدرت منطقی داشته باشند؛ لذا در حدیثی می‌خوانیم که یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به امام عرض کرد که: به من خبر رسیده که شما از مناظره کردن با مخالفان ناخشنود هستید. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «أَمَّا مِثْلُكَ فَلَا يَكْرَهُ مَنْ إِذَا طَارَ يُحْسِنُ أَنْ يَقَعَ وَإِنْ وَقَعَ يُحْسِنُ أَنْ يَطِيرَ فَمَنْ كَانَ هَكَذَا لَا تَكْرَهُهُ؛ اما کسی که چون تو باشد، عیبی ندارد. ما از مناظره کسانی که وقتی پرواز می‌کنند و اوج می‌گیرند به خوبی می‌توانند بنشینند و هنگامی که می‌نشینند، به خوبی می‌توانند پرواز کنند و اوج گیرند، ناخشنود نیستیم» (قمی، ۱۴۱۴: ۵۲۵/۷).

علیرغم این که در قرآن کریم و منابع روایی، مناظره‌های متعددی از پیامبران و معصومان علیهم السلام وارد شده است، اما مناظرات امام رضا علیه السلام با مخالفان از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است و علت این امر را باید در شرایط خاص عصر حضرت جستجو کرد. دوران امام رضا علیه السلام یکی از برجسته‌ترین دوران پیشرفت تمدن و فرهنگ اسلامی است تا بدان جا که مورخان، این دوران را «عصر طلایی» خوانده‌اند. در این مقطع از تاریخ اسلام از یک سو شاهد به اوج رسیدن فعالیت مذاهب، ادیان، فرقه‌های انحرافی و گرایش‌های کلامی مختلف و تلاششان در جهت مبارزه با اسلام هستیم و از سوی دیگر، تأکیدات دین اسلام بر علم دوستی باعث شده بود تا به موازات پیشرفت‌های عقیدتی و سیاسی اسلام در اقصی نقاط جهان، علوم و دانش‌های آن کشورها به محیط جامعه اسلامی راه یابد و نتیجه گشایش‌های به وجود آمده، ظهور گفتمان‌های متفاوت یا متضادی بود که در این مقطع، فرصت ابراز عقاید خود را پیدا کردند (ابن واضح، ۱۳۷۵: ۴۴۲/۲).

علاوه بر آنچه بیان شد، در این مقطع، شاهد به قدرت رسیدن مأمون عباسی نیز هستیم. او که دارای گرایش‌های اعتدالی بود، در پی دستیابی به اهداف خود، مجالس مناظره متعددی را شکل داده و از این طریق، باعث رشد و گسترش گفتگو و مناظره شده است. مجموع این عوامل

باعث شده است تا امام رضا^{علیه السلام} با توجه به مهیا بودن شرایط، از ابزار مناظره، نهایت استفاده را در جهت نشر معارف الهی ببرد و مناظرات متعددی از ایشان به یادگار بماند.

۱-۱- ضرورت و روش پژوهش

از آنجا که مناظره به عنوان یکی از ابزارهای جهان اسلام به منظور تبلیغ دین و دستیابی به اهداف معرفی شده است و با توجه به آن که مناظرات امام رضا^{علیه السلام} به عنوان الگوی کامل و بی نقص مناظره محسوب می شوند، ضرورت پژوهشی به منظور استخراج و تبیین اصول مناظرات ایشان با هدف بهره گیری جهان اسلام در تبلیغ و پیشبرد اهداف احساس می شود؛ بر همین اساس، پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه ای در پی آن است تا با تعمق دقیق در مناظره های امام رضا^{علیه السلام} اصول و قواعد مناظره را به صورت کامل، دسته بندی، تبیین و تشریح کند.

۲-۱- پیشینه پژوهش

در باره مناظره های امام رضا^{علیه السلام} تاکنون پژوهش های مختلفی صورت گرفته است از جمله: در مقاله «آسیب شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام رضا^{علیه السلام}» به قلم ابراهیمی و محمدی (۱۳۹۷) نویسندگان پس از بررسی مفهوم مناظره، به بررسی آسیب های مناظره بر اساس مناظره های امام رضا^{علیه السلام} در دو بعد علمی و اخلاقی پرداخته اند. رویکرد پژوهش مطرح شده صرفاً آسیب شناسی مناظره است.

در مقاله «بررسی اصول علمی و اخلاقی مناظره رضوی» به قلم رضا زاده کهنگی و فارسی نژاد (۱۳۹۴)، نویسندگان در اصول علمی مناظره رضوی، صرفاً به سه اصل: استفاده از جدال احسن، بهره گیری از استدلال عقلی و پرهیز از مغالطه و در اصول اخلاقی به سه اصل: رعایت ادب، پرهیز از نقد شخصیت افراد و پرهیز از ستیزه جویی اشاره کرده اند. در این پژوهش صرفاً به بعضی از اصول حاکم در مناظرات امام رضا^{علیه السلام} اشاره شده است.

در مقاله «تحلیل گفتمان مناظره های امام رضا^{علیه السلام}» به قلم مجیدی (۱۳۹۲)، نویسنده ضمن اشاره مختصر به برخی از اصول مناظره امام رضا^{علیه السلام} بر اساس روش تحلیل گفتمان، بیشتر به ویژگی های بافت متنی مناظرات همچون واژگان، استعاره و نقل قول پرداخته است.

در مقاله «اخلاق و مهارت‌های مناظره در مناظره‌های امام رضا (ع)» (مطالعه موردی؛ مناظره امام رضا (ع) با متکلمان ادیان و مذاهب) به قلم روحی برندق (۱۳۹۶)، نویسنده با مطالعه موردی و با هدف شناساندن اخلاق توحیدی حضرت امام رضا (ع) در برابر رقیبان، این مناظرات را از لحاظ اخلاق و مهارت‌های مناظره و به‌ویژه با مطالعه تطبیقی آن با معیارها، شرایط، آداب مناظره و جدل در دانش منطق و نیز یافته‌های علم ارتباطات، تحلیل و مورد پژوهش قرار داده است.

کتاب مناظرات امام رضا (ع) با علمای ادیان مختلف: برخی از اعتقادات شیعه امامیه به قلم بهبهانی حائری (۱۳۹۰)، ضمن بیان برخی از مناظرات امام رضا با علمای یهودی، مسیحی و زرتشتی، به‌صورت بسیار مختصر و پراکنده به برخی از اصول مناظره که حضرت (ع) در انجام دادن مناظرات رعایت کرده، پرداخته است.

علیرغم این‌که تاکنون پژوهش‌های متعددی در خصوص مناظرات رضوی صورت پذیرفته و هرچند در برخی پژوهش‌ها به برخی از اصول حاکم در مناظرات امام رضا (ع) اشاره شده است، اما متأسفانه تاکنون، پژوهشی که بتواند همه اصول و قواعد مناظرات امام رضا (ع) را به‌صورت دقیق و کامل بیان کند، صورت نپذیرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه آن است که در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی دقیق و جامع مناظره‌های امام رضا (ع) اصول به کار گرفته شده از سوی ایشان را به‌صورت کامل و در یک دسته‌بندی دقیق، تبیین و تشریح کند.

۳-۱- ادبیات پژوهش

مناظره، مصدر باب مفاعله و مشتق از ماده «نظر» است و «نظر» به توجه دادن و برگرداندن چشم ظاهر و باطن برای ادراک و دیدن چیزی به‌منظور تأمل و تحقیق در آن است و هدف از این تأمل و دیدن نیز شناختی است که پس از تحقیق حاصل می‌شود و آن را «رویه» یعنی تدبیر و اندیشه گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۳). دهخدا در باب مناظره می‌گوید: «مناظره یعنی در امری باهم بحث و گفتگو کردن، فکر کردن در ماهیت و حقیقت دو چیز و باهم سؤال و جواب کردن» (دهخدا، ۱۳۳۱: ۴۶/۱۱۷).

در اصطلاح، مناظره عبارت است از توجه دو طرف گفتگو در اثبات نظر خود درباره حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها با هدف روشن کردن و بیان حق و صواب (سجادی، ۱۳۶۶: ۳۶۴). همچنین ابن منظور در تعریف مناظره می‌گوید: مناظره آن است که با طرف مقابل خود به منظور رسیدن به نتیجه در موضوع خاصی به گفتگو بنشیند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۲۱۷). در تعریف دیگری آمده است که مناظره، نوعی مکالمه و گفتگوست که در آن دو طرف گفتگو سعی می‌کنند با بهره‌گیری از اصول پذیرفته‌شده طرف مقابل، ضمن اثبات نظر و دیدگاه خود، عقیده باطل طرف مقابل را آشکار کنند به وجهی که وی نتواند آن را انکار کند (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۰).

۲- مناظرات امام رضا (ع)

گرچه مناظرات امام علی بن موسی الرضا (ع) فراوان است، ولی از میان آن‌ها مناظرات هفت‌گانه زیر برجستگی خاصی دارد.

۱. مناظره با جاثلیق.^۱
۲. مناظره با رأس الجالوت.^۲
۳. مناظره با هریر اکبر.^۳
۴. مناظره با عمران صابی.^۴

۱. جاثلیق (به کسر ثاء و لام)، لفظی یونانی است به معنای رئیس اسقف‌ها و پیشوای عیسوی و لقبی است که به علمای بزرگ نصارا داده می‌شد و نام شخص خاصی نیست و شاید معرب کاتولیک باشد.

۲. رأس الجالوت، لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود است (این نیز اسم خاص نیست).

۳. هریر اکبر یا هیرید اکبر، لقبی است که مخصوص بزرگ زردشتیان بود، به معنای پیشوای بزرگ مذهبی و قاضی زردشتی و خادم آتشکده.

۴. عمران صابی چنان‌که از نامش پیداست، از مذهب صابین دفاع کرد (صابین گروهی هستند که خود را پیرو یحیی (ع) می‌دانند، ولی به دو گروه موحد و مشرک تقسیم می‌شوند. گروهی به ستاره‌پرستی رو آورده‌اند و لذا گاه آن‌ها را «ستاره‌پرستان» می‌نامند. مرکز آن‌ها سابقاً شهر حران در عراق بود و سپس به مناطق دیگری از عراق و خوزستان روی آوردند. آن‌ها طبق عقاید خود بیشتر در کنار نهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و هم‌اکنون گروهی از آنان در اهواز و بعضی مناطق دیگر به سر می‌برند).

این چهار مناظره در یک مجلس و با حضور مأمون و جمعی از دانشمندان و رجال خراسان صورت گرفت.

۵. مناظره با سلیمان مروزی^۱ که مستقلاً در يك مجلس با حضور مأمون و اطرافیانش صورت گرفت.

۶. مناظره با علي بن محمد جهم^۲.

۷. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۶ - ۳۸). هر یک از این مناظرات، دارای محتوای عمیق و جالبی است که حتی امروز هم با گذشت حدود ۱۲۰۰ سال از آن تاریخ، راهگشا، روشنگر و بسیار آموزنده و پربار است.

۳- اصول مناظره‌های امام رضا

با بررسی دقیق مناظره‌های امام رضا چنين برمی‌آید که ایشان در همه مناظرات در مقام گفتگو با طرف مقابل خود، یک سری از اصول را رعایت کرده است. منظور از اصول، همان قواعد کلی حاکم بر مناظرات است که روش‌ها نیز از آن‌ها استخراج و ساخته می‌شوند. این اصول را در یک دسته‌بندی کلی به دو دسته اصول علمی - منطقی و اصول اخلاقی می‌توان دسته‌بندی کرد.

۳-۱- اصول علمی - منطقی مناظره‌های امام رضا

اصول علمی - منطقی به کار گرفته شده از سوی امام رضا در جریان مناظره عبارت‌اند از:

۳-۱-۱- استفاده از برهان و استدلال

یکی از مهم‌ترین اصول در مناظره، آن است که مناظره‌کننده، آگاهی کاملی نسبت به استدلال‌های منطقی داشته باشد و خود را ملزم به استفاده از آن‌ها بداند. در صورتی که مناظره‌کننده بتواند برای اثبات مدعای خود دلایل منطقی و محکمی بیاورد می‌تواند به موفقیت در بحث، امید زیادی داشته باشد؛ چراکه مهم‌ترین عامل موفقیت در مناظره، توانایی ارائه برهان و استدلال است.

۱. سلیمان مروزی، معروف‌ترین عالم علم کلام در خطه خراسان در عصر مأمون بود و مأمون برای او احترام فراوانی قائل می‌شد.

۲. علی بن محمد بن جهم، ناصبی و دشمن اهل بیت بوده است.

این اصل در تمام مناظرات امام رضا علیه السلام کاملاً مشهود است. برای نمونه، حضرت در مقام پاسخ به شخص زندیق که برای وجود خداوند دلیل و برهان می‌خواهد می‌فرماید: «إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي فَلَمْ يُمَكِّنِي فِيهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ فِي الْعَرْضِ وَالطُّولِ وَدَفَعَ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَجَرَّ الْمَنْفَعَةَ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبُتَيْنِ بَانِيًا فَأَقَرَرْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَإِنْشَاءِ السَّحَابِ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَمَجْزَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآيَاتِ الْعَجِيبَاتِ الْمُتَقَاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدَّرًا وَمُنْشَأً؛ همانا وقتی به جسد من نگاه می‌کنم و می‌بینم نمی‌توانم در عرض و طول آن چیزی کم کنم یا بر آن بیفزایم، سختی‌ها را از آن (جسد) دفع کنم و چیزی به نفع آن انجام دهم، می‌فهمم که این ساختمان و بنیان، سازنده‌ای دارد و بدین‌سان به وجود او (خداوند) اقرار کردم. علاوه بر آن می‌بینم که گردش افلاک به قدرت او، ایجاد ابرها، حرکت باده‌ها، جریان خورشید و ماه و ستارگان و دیگر آیات شگفت‌آور و درعین‌حال روشن را به دست او یافتیم؛ پس دانستم که همه این‌ها گرداننده و پدیدآورنده‌ای دارند» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۹۶).

در این مورد امام رضا علیه السلام از برهان علت و معلولی استفاده کرده است. در این برهان حضرت علیه السلام سعی کرده است از پیچیدگی ساختمان وجودی انسان و سایر اجزای هستی و ضعف و زبونی انسان به این نتیجه برسد که همه موجودات عالم، معلول هستند و از آن‌جا که هر معلولی نیازمند علتی است، علت همه موجودات، خداوند متعال است. در موارد دیگری نیز حضرت از برهان برای اثبات حدوث عالم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۳۶) و همچنین برای رد عقیده خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام استفاده کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۷۲).

۳-۱-۲. اجتناب از مغالطه در بحث

کلمه مغالطه در اصل از ریشه «غلط» گرفته شده است. این واژه در لغت به معنای اشتباه جلوه دادن وجه یا صورت صحیح چیزی (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۳۲۳) یا به عبارت دیگر، «سوق دادن دیگری به اشتباه» است (خندان، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

در اصطلاح، علمای علم منطق معتقدند که: مغالطه، قیاس فاسدی است و فساد آن یا از

جهت مواد اولیه به کاررفته در آن یا از جهت صورت و ظاهر استدلال یا از هر دو جهت است و به همین دلیل، نتیجه صحیح نمی‌دهد (شهرزی، ۱۳۷۲: ۱۳۹).

در اسلام، مغالطه در استدلال جایز نیست؛ چراکه نتیجه آن، حق جلوه دادن باطل و یا باطل کردن حق است. بر همین اساس، امام رضا علیه السلام نیز در همه مناظرات خود با دیگران این اصل مهم را مورد توجه قرار داده است و فراتر از آن، حتی برای آن‌که راه مغالطه طرف مناظره خود را سد کند، با منابع و معیارهای مورد پذیرش آن‌ها استدلال می‌فرمود. برای نمونه، نقل است که یکی از یاران حضرت به نام «نوفلی» از حضور ایشان در جلسات مناظره‌ای که توسط مأمون ترتیب داده شده بود، نگران می‌شود؛ لذا به امام عرض می‌کند: «علمای کلام، مخالف دانشمندان اسلام و اهل بدعت هستند؛ چراکه عالم، واقعیت‌ها را انکار نمی‌کند، اما آن‌ها اهل سفسطه و انکار هستند. اگر برای آنان دلایلی مبنی بر این‌که خداوند متعال یکی است بیاوری، خواهند گفت این دلایل را قبول نداریم و اگر گویی محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست می‌گویند که رسالت او را ثابت کن. آن‌ها در برابر آدمی دست به مغالطه می‌زنند و آن‌قدر مغالطه می‌کنند تا آدمی از سخن [حق] خود دست بردارد. فدایت شوم. از این جماعت بر حذر باش».

امام رضا علیه السلام در برابر او تبسمی می‌کند و می‌فرماید: «يَا نَوْفَلِي أَتَخَافُ أَنْ يَقْطَعُوا عَلَيَّ حُجَّتِي.... إِذَا سَمِعَ احْتِجَاجِي عَلَى أَهْلِ التَّوَرَةِ بِتَوَرَاتِهِمْ وَعَلَى أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَعَلَى أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَعَلَى الصَّابِئِينَ بِعِبْرَانِيَّتِهِمْ وَعَلَى الْهَرَابِذَةِ بِفَارِسِيَّتِهِمْ وَعَلَى أَهْلِ الرُّومِ بِرُومِيَّتِهِمْ وَعَلَى أَصْحَابِ الْمَقَالَاتِ بِلُغَاتِهِمْ فَإِذَا قُطِعَتْ كُلُّ صِنْفٍ وَدَحِضَتْ حُجَّتُهُ وَتَرَكَ مَقَالَتَهُ وَرَجَعَ إِلَى قَوْلِي؛ أَيَا نَوْفَلِي! أَيَا مِنْ نِجْرَانِي كَيْفَ دَلِيلُ مَرَا بَاطِلُ كُنْتُ وَرَاهُ رَا بَر مِّنْ بِنْدُنْدُ؟ هَنَّا كَامِي كَهْ اسْتِدْلَالُ هَرِّ جَمَاعَتٍ مِنْ أَهْلِهَا رَا بَا مُسْتَنَدَاتُ كِتَابِ خُودِشَانِ اِبْطَالُ كُنْمُ. مَذْهَبُ خُودِ رَا رَهَا كُنْنْدُ وَقُولُ مَرَا بِيْذِيرَنْدُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۹/۴۹).

در این روایت، حضرت علیه السلام نه تنها مغالطه در مناظره را جایز نمی‌دانند، بلکه در مقام تعلیم پیروان بیان می‌دارند که اگر در مناظره‌ای طرف مقابل دست به مغالطه زد، شما هم مانند آن سخن خود را به مغالطه ترکیب نکنید؛ بلکه با سخن منطقی و مستدل، راه مغالطه وی را ببندید.

۳-۱-۳. احاطه کامل بر موضوع بحث

احاطه یا عدم احاطه علمی بر موضوعات مطروحه در خلال مناظره، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر موفقیت یا شکست طرفین محسوب می‌شود. در بسیاری از آیات قرآن کریم، مناظره و گفتگو بدون علم، مورد نکوهش و مذمت خداوند قرار گرفته است؛ برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (حج: ۳)؛ بعضی از مردم، ناآگاهانه درباره خدا به مجادله برمی‌خیزند و هر شیطان متمردی را پیروی می‌کنند.﴾ اهمیت این موضوع تا حدی است که در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌خوانیم: «مَنْ جَادَلَ فِي خُصُومَةٍ بَغَيْرِ عِلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ؛ هر کس که بدون داشتن علم و آگاهی در مسئله‌ای با دیگری مجادله کند، تا زمانی که دست از جدل نکشیده باشد، مورد خشم و غضب الهی است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۴۲).

بدیهی است که امام رضا علیه السلام به واسطه مقام امامت، مسلماً از همه علوم، آگاهی کامل دارند؛ اما نکته جالب آن است که حضرت برای روشننگری هر چه بیشتر قواعد مناظره و گفتگو در اسلام، در بسیاری از مناظرات، احاطه علمی خود بر موضوعات را به طرف مقابلش یادآوری کرده است. برای نمونه، حضرت در مناظره با جاثقلین می‌فرماید: «سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ وَ اسْمَعْ الْجَوَابَ؛ هر چه به نظرت می‌آید بپرس و جواب آن را از من بشنو» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۱).

۳-۱-۴. تکیه بر اصول مشترک

یکی از مهم‌ترین اصول مناظره برای حصول به نتیجه، آن است که مناظره کنندگان، بحث خود را بر مبنای اصول مشترکی به‌پیش ببرند. چنانچه طرفین مذاکره، اصل یا اصول مشترکی نداشته باشند، بدیهی است که امکان گفتگویی نیز وجود ندارد. خداوند متعال در قرآن کریم اهمیت این اصل، خطاب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ﴾ (آل عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است.

امام رضا علیه السلام نیز در مناظرات خود به این موضوع اهتمام تام داشته و در تشریح روش خود می‌فرماید: «احْتِجَاجِي عَلَى أَهْلِ التَّوَرَةِ بِتَوَارَاتِهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ

الزُّبُورِ بِزُورِهِمْ؛ اهل تورات را با تورات، اهل انجیل را با انجیل، اهل زبور را با زبور احتجاج خواهیم کرد» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۶).

نمود عینی پابندی امام رضا علیه السلام به اصل تکیه بر اصول مشترک در مناظره ایشان با جاثلیق، کاملاً مشهود است. در این مناظره، جاثلیق می‌گوید: «چگونه با کسی به گفتگو و بحث بنشینم که با کتابی استدلال می‌کند که من منکر آن هستم و به پیامبری استدلال دارد که من به او ایمان ندارم؟». امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ای مسیحی! اگر با تو، با انجیل محاجه و استدلال کنم به آن اقرار می‌کنی». جاثلیق در پاسخ می‌گوید: «آری، هرچند برخلاف میلم باشد، من بدان اقرار می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۵).

۳-۱-۵. استفاده از پرسش و پاسخ

یکی از مهم‌ترین اصولی که معصومان علیهم السلام در آموزش احکام و نشر معارف اسلامی، فراوان از آن استفاده برده‌اند، اصل پرسش و پاسخ است. این اصل، مورد تأکید قرآن کریم نیز بوده و در آیاتی چند به آن اشاره شده است (بقره: ۱۸۹؛ نساء: ۱۲۷؛ یونس: ۵۳). درخصوص اهمیت پرسشگری، عده‌ای تا بدان جا پیش رفته‌اند که معتقدند تکامل و رشد انسان در سایه بعد پرسشگرانه اوست و اگر در آفرینش انسان این بُعد وجود نداشت، هرگز به‌سوی تکامل گامی برنمی‌داشت؛ بنابراین اگر پاسخ صحیحی در برابر پرسش خود بشنود، اندیشه‌اش راهی به‌سوی رشد و تکامل می‌یابد (شیرخانی، ۱۳۸۹: ۷). غالباً در احتجاج‌ها چنین است که فرد، سخن خود را با سؤال از طرف مقابلش شروع می‌کند و این یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی و نوعی مهارت در بیان استدلال است؛ چراکه وقتی فرد خودش مطالبی را بیان کند، یعنی من می‌دانم و طرف مقابل نمی‌داند؛ اما وقتی از طرف مقابل سؤال می‌کند، یعنی طرف مقابل نیز می‌داند و باید تلاش و سعی کند تا به آن برسد.

با توجه به اهمیت این اصل، شاهد آن هستیم که امام رضا علیه السلام نیز به تبعیت از دستورهای قرآن در مناظرات خود نه‌تنها از این اصل غافل نشده، بلکه تقریباً تمامی مطالب حضرت در مناظرات به‌صورت سؤالی مطرح شده است (ر.ک ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۴ - ۱۵۶). نکته مهم دیگر آن است که حضرت علیه السلام برای مخالفان و مخاطبان خود، حق سؤال را به رسمیت شناخته است. نمونه بارز به رسمیت شناختن حق سؤال از سوی مخاطب، آن است که مردم

زمانی که در امر امامت امام رضا علیه السلام اختلاف کردند، امام اجازه سؤال پرسیدن مخاطبان از خود را وارد دانسته و از مسائلی که از ایشان پرسیده شد و پاسخ دادند، هجده هزار مسئله گزارش شده است (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/ ۳۵۰). این موضوع تا بدان جا در سیره مناظرات حضرت مشهود است که جاثلیق در پایان مناظره خود با امام رضا علیه السلام به آن اعتراف کرده است و می گوید: «به حق مسیح قسم که نمی دانستم در میان علمای مسلمان، شخصی مانند شما پیدا خواهد شد که هر آنچه ما سؤال کنیم، پاسخ بدهد!» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۶۴).

۳-۱-۶- رعایت سطح فکری مخاطب

از مهم ترین اصول مناظره، سخن گفتن بر اساس سطح درک و فهم طرف مقابل است. عدم رعایت سطح فکری مخاطب در مناظره، باعث می شود تا پیام از طرف گیرنده به صورت کامل فهمیده نشود و امکان ایجاد ارتباط دوسویه بین طرفین در معرض خطر قرار بگیرد و در نهایت، فرآیند مناظره، ناتمام بماند یا به نتیجه مطلوب نرسد. این مهم در روایات معصومان علیهم السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است آن چنان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۳)؛ به ما امر شده که با مردم در حد فهم و عقلشان سخن بگوییم».

این اصل مهم در همه مناظرات رضوی، رعایت شده است. امام رضا علیه السلام هر زمانی که با رهبر یک مکتب، وارد بحث می شد، با استدلالات قوی عقلی و نقلی سخن می گفتند و هر زمان مخاطبش شخص عادی بود، جملات روان و ساده در حد تشبیه و تمثیل به کار می بردند و حق را بدین گونه برای آنان روشن می ساخت. برای نمونه، حضرت در پاسخ سؤال فردی از ثنویه که می گفت خدا دوتا است می فرماید: «قَوْلُكَ إِنَّهُ أَثْنَانِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ وَاحِدٌ لَأَنَّكَ لَمْ تَدْعِ الثَّانِيَّ إِلَّا بَعْدَ إِثْبَاتِكَ الْوَاحِدِ فَالْوَاحِدُ مُجْمَعٌ عَلَيْهِ وَ أَكْثَرُ مِنْ وَاحِدٍ مُخْتَلَفٌ فِيهِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲۶۹)؛ این که تو می گویی خدا دوتا است، خود دلیل بر یگانگی خداوند است؛ چرا که تو تا زمانی که اولی را اثبات نکنی، هرگز دومی را نمی خوانی. پس در مورد اولی، همگان توافق دارند، در حالی که در مورد دومی، اختلاف دارند». در این عبارت، امام رضا علیه السلام با توجه به سطح فهم سؤال کننده - که فردی از ثنویه و دارای اطلاعات کمی در باب مسائل توحیدی و معارفی

بوده است - بر نفی خدای دومی، برهان و دلیل عقلی ارائه نکرده است و صرفاً به اثبات خدای واحد و شک در خدای دوم اکتفا کرده است.

۷-۱-۳. استفاده از مطالب گویا و رسا

استفاده از مطالب رسا، صریح و گویا در مناظره، باعث فهم مخاطب از منظور شخص گوینده خواهد شد و رسیدن به نتیجه مطلوب را تسریع خواهد کرد. با بررسی دقیق مناظرات امام رضا علیه السلام این نتیجه حاصل می شود که ایشان در هیچ مناظره‌ای با دانشمندان، بزرگان و افراد مختلف از ادیان و مذاهب گوناگون از واژگان نامأنوس و پیچیده استفاده نکرده است؛ بلکه همواره کلماتی رسا، گویا، نرم و به دور از هرگونه تردید و شک به کار برده است و حتی از طرف مقابل خود در مناظره نیز می خواستند تا این شیوه را رعایت کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۳۱۷). برای نمونه، امام رضا علیه السلام در گفتگو با یحیی بن ضحاک سمرقندی در باب امامت، با استفاده از عبارات و سخنان گویا و رسا که مورد پذیرش یحیی بن ضحاک بود، به اثبات امامت خویش می پردازد (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۸: ۶۱۹ - ۶۲۰).

۸-۱-۳. برخورداری بحث از نظم و ساختار منطقی

تنظیم و ایجاد ارتباط معنایی بین گفتارهای مختلف در یک بحث، از ویژگی های اصلی و اجتناب ناپذیر مناظرات علمی محسوب می شود. بر این اساس، مجموعه یک بحث علمی باید دارای: عنوان، دسته بندی، تحلیل دقیق، جمع بندی و نتیجه گیری معقول و مناسبی باشد تا هر دو طرف مناظره به صورت دقیق، آن بحث را فهمیده و درک کنند. معصومان علیهم السلام بارها در کلامشان بر این مهم تأکید داشته اند؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین سخنان را منظم ترین آن ها می داند و می فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمُهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۴)؛ بهترین گفتار آن است که نظم نیکویش آن را زینت بخشد و خاص و عام، آن را بفهمند».

با بررسی در مناظرات امام رضا علیه السلام چنین بر می آید که تمام مناظرات ایشان از انسجام و نظم منطقی قانع کننده ای برخوردار است؛ این بدان معناست که بحث های ایشان نقطه آغاز و پایان

مشخصی دارد آن چنان که طرف مقابل خود را قانع می کند و جای هیچ گونه شک و شبهه برای وی باقی نمی گذارد.

برای نمونه امام رضا علیه السلام در مناظره با عمران صابی در پاسخ به سؤال وی در خصوص نخستین موجود و آنچه خداوند خلق کرد، می فرماید: «أَمَّا الْوَاحِدُ فَلَمْ يَزَلْ وَاحِدًا كَائِنًا لَا شَيْءَ مَعَهُ بِلَا حُدُودٍ وَلَا أَعْرَاضٍ وَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ ثُمَّ خَلَقَ خَلْقًا مُبْتَدِعًا مُخْتَلِفًا بِأَعْرَاضٍ وَحُدُودٍ مُخْتَلِفَةٍ لَا فِي شَيْءٍ أَقَامَهُ وَلَا فِي شَيْءٍ حَدَّهُ وَلَا عَلَى شَيْءٍ حَدَّهُ وَ مَثَلُهُ لَهُ فَجَعَلَ الْخَلْقَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ صَفْوَةً وَغَيْرَ صَفْوَةٍ وَ اخْتِلَافًا وَ اخْتِلَافًا وَ أَلْوَانًا وَ ذَوُقًا وَ طَعْمًا لَا لِحَاجَةٍ كَانَتْ مِنْهُ إِلَى ذَلِكَ وَلَا لِفَضْلِ مَنْزِلَةٍ لَمْ يَبْلُغَهَا إِلَّا بِهِ وَلَا أَرَى لِنَفْسِهِ فِيمَا خَلَقَ زِيَادَةً وَلَا نُقْصَانًا (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۶۳)؛ واحد همیشه واحد و موجود بوده، بدون این که چیزی به همراهش باشد، حدود و اعراض، راهی به او نداشته و همواره نیز این گونه خواهد بود. سپس به صورت ابداعی، مخلوقاتی را آفرید، با اعراض و حدودی مختلف، نه آن را در چیزی قرار داد و نه در چیزی محدود نمود و نه به مانند و مثل چیزی، ایجادش کرد و نه چیزی را مثل او نمود و بعد از آن، مخلوقات را به صورت های مختلف و گوناگون، از جمله: خالص و ناخالص، مختلف و یکسان، به رنگ ها و طعم های متفاوت آفرید، بدون این که نیازی به آن ها داشته باشد و یا برای رسیدن به مقام و منزلتی به این خلقت محتاج باشد و در این آفرینش، در خود، زیادی یا نقصانی ندید».

امام رضا علیه السلام در این مناظره به ترتیب و با بیان یک نظم و ساختار منظم منطقی، بیان می دارند که از ازل، کسی با خدا نبوده است و رتبه و مرتبه ازل، مختص ذات الهی است. سپس خداوند، مخلوقات را به صورت های گوناگون آفرید؛ بنابراین خدای عز و جل خالق همه موجودات بوده و هست؛ نه شیئی با اوست، نه دومی دارد.

۹-۱-۳. ادامه مناظره تا اقناع و پی بردن حریف به جزئیات مسئله

هدف یک مناظره علمی و منطقی، اقناع طرف مخالف، از طریق استدلال صحیح است. در جریان مذاکره، چنانچه طرف بحث دریابد که هدف طرف مقابل در مناظره، منفعت طلبی و سوداگری نیست، مسلماً ارتباط قوی تر و مستحکم تری در میان طرفین برقرار می شود. امام رضا علیه السلام در تمام مناظرات خود، این اصل مهم را رعایت کرده و به خوبی به مخاطب خود در

مناظره، این مطلب را فهمانده که هدفی جز روشنگری و هدایت وی ندارد؛ بنابراین در مناظرات ایشان مخالفان، کاملاً قانع می‌شدند و برخی نیز چون زمینه هدایت در آنان وجود داشت، هدایت می‌شدند.

برای نمونه نوفلی می‌گوید: در مناظره امام رضا علیه السلام با عمران صابی، سؤال و جواب بسیار طولانی شد و حضرت او را در بیشتر مسائل، قانع و مجاب کرد تا به آن جا رسید که عمران صابی گفت: «گواهی می‌دهم که خداوند متعال همان گونه است که توضیح دادی و به یکتایی وصفش نمودی و گواهی می‌دهم که محمد، بنده اوست که به نور هدایت و دین حق مبعوث شده است؛ آن گاه رو به قبله، به سجده افتاد و اسلام آورد» (طبرسی، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۴۷ - ۴۵۱).

نکته دیگر در مناظرات حضرت رضا علیه السلام آن است که ایشان به اقناع مخاطب خود اکتفا نمی‌کرد و چنانچه بعد از اقناع مخاطب، احساس می‌کرد که آن شخص هنوز به زوایا و جزئیات مطلب آگاه نیست، برای او مجدد یا به شیوه دیگری توضیح می‌داد. نمونه این مورد را می‌توان در مناظره امام رضا علیه السلام با عمران صابی مشاهده کرد؛ زمانی که عمران اقرار به فهمیدن می‌کند، اما حضرت چون متوجه می‌شود که وی از جزئیات بحث به خوبی آگاه نشده است، مجدداً از طریق پرسش از وی سعی در تفهیم مطلب می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۶۹ - ۱۷۰).

۲-۳- اصول اخلاقی مناظره‌های امام رضا علیه السلام

اصول اخلاقی به کار گرفته شده از سوی امام رضا علیه السلام در جریان مناظره عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- پرهیز از نقد شخصیت طرف مقابل

از مهم‌ترین اصول اخلاقی در مناظره آن است که طرفین، صرفاً به نقد استدلال‌های یکدیگر بپردازند. با توجه به این که هدف طرفین از ورود به مناظره، کشف حقیقت است، بنابراین باید صرفاً به نقد گفته‌های یکدیگر بپردازند و اگر خلاف این باشد، یعنی افراد به جای نقد گفته به نقد گوینده و شخصیت او بپردازند، مناظره از مسیر اصلی خود خارج می‌شود و حالت جدل و منازعه پیدا می‌کند. در منابع دینی اسلام بر این مهم سفارش شده است آن چنان که امیر سخن، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَال (لیشی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۴۱)؛ به محتوای مطلب و سخن بنگرید و نه به گوینده آن».

با بررسی مناظره‌های امام رضا (ع) این نتیجه حاصل می‌شود که ایشان در هیچ مناظره‌ای مخاطب خود را به مغالطه‌کاری و دروغ‌گویی متهم نکرده است و صرفاً به نقد استدلال‌های آن‌ها و بیان اشتباهاتشان در استدلال پرداخته است. در برابر، شاهد آن هستیم که طرف مقابل امام رضا (ع) در مناظره، همچون جاثلیق برای دست‌یابی به هدف خود، با نادیده گرفتن این اصل به نقد شخصیت حضرت پرداخته و ایشان را به ناتوانی علمی و جهل متهم کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۸۵).

۲-۲-۳. پرهیز از تعصّب و لجاجت

یکی دیگر از اصول اخلاقی مناظره، پرهیز از تعصّب و لجاجت است. بدون شک، تسلیم و تواضع در برابر حق، اساسی‌ترین پایه عبودیت خداوند است و در برابر آن، هرگونه ستیزه‌جویی و تعصّب در برابر حق، مایه دوری از حق و محروم ماندن انسان از سعادت است. در تعریف تعصّب آمده است که این صفت رذیله، عبارت است از هرگونه وابستگی غیرمنطقی به چیزی تا آن‌جا که انسان، حق را فدای آن کند و لجاجت به معنای اصرار بر چیزی است به‌گونه‌ای که منطق و عقل را زیر پا بگذارد و نتیجه این دو نیز چیزی جز تقلید کورکورانه نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/ ۲۰۰). حضرت علی (ع) نیز ضمن مذمت شیطان، یکی از صفات وی را تعصّب ذکر کرده و با تعبیر «إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ» شیطان را رهبر متعصب‌ها معرفی می‌کند (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲). بر همین اساس چنانچه در مناظره، شخصی از روی تعصّب سخن بگوید و بر روی سخن خود لجاجت به خرج دهد، در حقیقت، حجابی را بر دیده عقل خود افکنده است و این حجاب، مانع از درک و فهم وی از حقایق، مصلحت و مفسده امور خواهد شد و همین عامل باعث می‌شود تا مناظره از مسیر اصلی خود خارج شود و به نتیجه نرسد.

با توجه به آن‌که هدف از مناظره در دیدگاه امام رضا (ع) آشکار شدن حق و اقناع طرف مقابل برای گرایش به اسلام است، بنابراین ایشان در همه مناظره‌ها در برخورد با طرف مقابل خود هرگز به رفتارهای متعصبانه متوسل نمی‌شدند؛ بلکه به دور از هرگونه تعصّب، برای نمونه اگر طرف مقابل ایشان قرآن یا پیامبر (ص) را قبول نداشت، مناظره را بر اساس همان کتابی که او بدان معتقد بود انجام می‌دادند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۵۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۱۱).

۳-۲-۳. سعه صدر و تحمل عقاید مخالف

از دیگر اصول اخلاقی مناظره، آن است که طرفین با سعه صدر، شنوای سخنان و عقاید یکدیگر باشند، هرچند که این سخن و عقیده، مخالف عقاید آن‌ها باشد. شرح صدر، از مهم‌ترین صفات ممتاز پیامبران الهی در قرآن معرفی شده است. در اهمیت این صفت در قرآن کریم می‌توان گفت که علت نام و یاد بلند پیامبر گرامی اسلام، شرح صدر ایشان در گفتگو با مردم و دعوت آن‌ها معرفی شده است (شرح: ۱ - ۴). همچنین اگر موسی علیه السلام از پیامبران اولوالعزم گردید و مستضعفان را از دست مستکبران رهایی بخشید، با تکیه بر همین شرح صدر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳۹). بر این اساس، سعه صدر و تحمل عقاید مخالف، یکی از مهم‌ترین صفات برای شخصی است که برای هدایت مردم، قصد روشنگری دارد.

با بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام به‌خوبی این نکته مشهود است که یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مناظرات ایشان، داشتن سعه صدر و تحمل عقاید، آرا و نظریات مخالف است. آن حضرت در غالب مناظرات، با نظرهای مخالف خود روبه‌رو می‌شد؛ اما نه تنها در برابر این افکار، خشمگین نمی‌شد، بلکه درنهایت نرمی و سعه صدر، به آنها پاسخ می‌داد. برای نمونه، در مناظره ایشان با جاثلیق، هنگامی که جاثلیق از شنیدن سخن حضرت ناراحت و عصبانی می‌شود، امام رضا علیه السلام با سعه صدر به وی پاسخ می‌دهد (طبرسی، ۱۳۳۸: ۲/۴۱۳). نمونه دیگر رعایت این اصل مهم، در مناظره امام رضا علیه السلام با سلیمان مروزی است. هنگامی که سلیمان برای چندمین بار، ادعا و سخن غلط خود را تکرار می‌کند، مأمون عباسی خطاب به او می‌گوید: «وای بر تو ای سلیمان! این سخن غلط را چند بار تکرار می‌کنی؟ این سخن را قطع و به سراغ سخن دیگری برو»؛ اما امام علیه السلام درنهایت سعه صدر می‌فرماید: «دَعُهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَقْطَعْ عَلَيْهِ مَسْأَلَتَهُ؛ رهایش کن ای امیر المؤمنین! کلامش را قطع نکن». در این مناظره، علیرغم این‌که سلیمان، دچار تناقض در گفتار می‌شود و چندین مرتبه سخن اشتباه خود را تکرار می‌کند، اما حضرت در عین صبر و بردباری، با دلایل محکم و منطقی، او را قانع می‌کند (علیزاده و دهقانی فیروزآبادی ۱۳۹۸: ۲۵ - ۲۶).

۴-۲-۳. رعایت انصاف

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول اخلاقی مناظره، رعایت انصاف از سوی طرفین مذاکره است.

در اهمیت این اصل، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْإِنْصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَ يُوجِبُ الْإِثْلَافَ» (لثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۶)؛ انصاف، اختلاف را از بین می‌برد و باعث همبستگی می‌شود. این اصل مهم در مناظره بدان معناست که هر یک از دو طرف، به اصول اساسی گفتمان پایبند باشند، از کلام باطل و مغالطه در بحث پرهیز کنند، سخن همراه با استدلال را بپذیرند و از پذیرش حق امتناع نکنند. به عبارت دیگر، انصاف در مناظره را می‌توان تسلیم بودن در برابر سخن حق و استدلال منطقی تعریف کرد. اصولاً عدم توجه به این نکته مهم در روند مناظرات باعث می‌شود تا مناظره از مقصود و هدف اصلی خود - که تبیین حقیقت و رفع ابهامات و جهالت‌هاست - خارج شود و به عکس به جای روشنگری، خود وسیله‌ای برای سردرگمی و جهالت بیشتر شود.

امام رضا علیه السلام نیز همواره در همه مناظرات خود نه تنها بر این نکته توجه داشته که جانب انصاف رعایت شود، بلکه این مهم را به طرف مقابل خود نیز یادآوری کرده است. برای نمونه، حضرت علیه السلام در مناظره با عمران صابی می‌فرماید: «سَلْ يَا عَمْرَانُ وَ عَلَيْكَ بِالنِّصْفَةِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجَوْرَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۰۲)؛ ای عمران! پپرس؛ اما انصاف را از دست مده و از سخن فاسد منحرف از حق پرهیز» (خسروی، ۱۳۷۹: ۲/۲۹۴). نمونه دیگر رعایت این اصل مهم در سیره حضرت علیه السلام حین مناظره را می‌توان تأیید طرف مقابل در صورت حق‌گویی او دانست. برای نمونه، هنگامی که شخص نصرانی، مطالب درستی را بیان می‌کند، حضرت علیه السلام می‌فرماید: «الْآنَ جِئْتَ بِالنِّصْفَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۷)؛ اکنون شما سخن منصفانه‌ای گفتید.

۵-۲-۳. رعایت ادب، تکریم و احترام متقابل

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول اخلاقی مناظره، رعایت ادب، تکریم و احترام طرفین نسبت به یکدیگر در جریان مناظره است. منظور از این اصل مهم در مناظره، آن است که در چارچوب بحث سخن گفته شود، سخن بر اساس منفعت گفته نشود، جایگاه فرد مقابل حفظ شود و به خاطر اشتباه در دلیل یا شیوه، تحقیر نشود (جوینی شافعی، ۱۴۲۰: ۳۲۴ - ۳۲۵). همچنین ادب اقتضا می‌کند که فرد، بیش از حد متعارف، صدای خود را بالا نبرد، سخنان طرف مقابل را



به خوبی بشنود، قبل از پایان یافتن سخن طرف مقابل، سخن نگوید و از به کار بردن الفاظ ناشایست خودداری کند.

در تمام مناظره‌های امام رضا علیه السلام رعایت اصل ادب، احترام و تکریم طرف مقابل، کاملاً مشهود است. ایشان در هیچ مناظره‌ای به شخصی توهین و بی‌احترامی نکردند و پیوسته با پرهیز از الفاظ زشت و ناپسند می‌کوشیدند تا فضای دوستی را در مناظره و گفتگو حاکم کنند و این اصل مهم را به اطرافیان نیز یادآوری می‌کردند. برای نمونه در مناظره حضرت علیه السلام با سلیمان مروزی، هنگامی که حضرت با استدلال قوی، دلایل سلیمان را رد کرد و تناقض‌گویی سلیمان آشکار شد، مأمون و همه حاضران در جلسه به سلیمان خندیدند، در حالی که حضرت از مردم می‌خواهد نسبت به سلیمان، مدارا و ملایمت به خرج دهند و سپس گفتگو را ادامه می‌دهد (قرشی، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۹۵). نمونه دیگر از رعایت این اصل را می‌توان در تکریم عمران صابی از سوی امام رضا علیه السلام دانست، هنگامی که در خلال گفتگو به حقانیت اسلام پی برد و ایمان آورد. حضرت علیه السلام در پایان مجلس مناظره، عمران را فرامی‌خواند و در هنگام ورود با نهایت احترام از او استقبال می‌کند (ابن بایویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷۲).

رعایت این اصل مهم از سوی امام رضا علیه السلام باعث شده است تا طرف‌های مناظره، پس از دریافت پاسخ پرسش‌های خود، نسبت به امام در اقدام متقابل، از لفظ «جُعِلْتُ فِدَاكَ» و یا «سَیِّدِی» استفاده کنند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۸۱-۱۸۹).

۳-۲-۶. تواضع، فروتنی و پرهیز از غرور

یکی دیگر از اصول اخلاقی مناظره، تواضع، فروتنی و پرهیز از غرور و خودستایی است. فروتنی و تواضع در برابر انسان‌ها در سایر روابط اجتماعی و از جمله، روابط گفتاری، خود نشانه‌ای از خودساختگی و پاکی درونی فرد محسوب می‌شود. فروتنی در گفتگوها و مناظرات علمی، باعث ایجاد تعامل و جذب طرف مقابل خواهد شد که نتیجه نهایی آن، تسخیر قلوب دیگران است. در برابر آن، غرور، خودستایی و خودبزرگ‌بینی، از رذایل نفسانی‌ای است که از خوی شیطانی و استکباری نشئت می‌گیرند و از مهم‌ترین موانع تعامل محسوب می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۳). در قرآن کریم در مذمت غرور و تکبر، آیات فراوانی وجود دارد از جمله

می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾ (اسراء: ۳۷)؛ و در روی زمین با تکبر و غرور راه مرو. امام رضا علیه السلام در اهمیت تواضع و فروتنی می‌فرماید: «وَبِالتَّوَّاضُعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرِّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۳/۱۷)؛ با تواضع و فروتنی در دنیا، امید عزّت و بلندمرتبتگی نزد خداوند دارم».

با بررسی انجام گرفته، چنین برمی‌آید که امام رضا علیه السلام در همه مناظراتشان این اصل مهم را رعایت کرده است. برای نمونه، در یکی از جلسات مناظره، مأمون خطاب به امام رضا علیه السلام می‌گوید: «خبری به من رسیده است مبنی بر این‌که گروهی در حقّ شما غلو (زیاده‌روی) می‌کنند و منزلت و مقام شما را از حدومرز خود بالاتر می‌برند». امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «پدرم موسی بن جعفر و او از پدرش جعفر بن محمد و او از پدرش محمد بن علی و او از پدرش علی بن الحسین و او از پدرش حسین بن علی و او از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «مرا از آنچه شایستگی و حدّ من است بالاتر مبرید؛ زیرا خداوند متعال قبل از آن‌که مرا به مقام پیامبری بپذیرد، مرا عبد و بنده قرار داده است و در کتاب آسمانی خود می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۷۹)؛ برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد، سپس او به مردم بگوید غیر از خدا، مرا پرستش کنید» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۲۱۶ - ۲۱۷). از این کلام امام علیه السلام چنین برداشت می‌شود که ایشان غرور، تکبر و خودستایی را در همه حال و از جمله در مناظره، نهی می‌کند.

۷-۲-۳. استفاده از بیان نرم و آرام

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول مناظره، آن است که طرفین از بیان نرم و آرام استفاده کنند و از به کار بردن سخنان خشونت‌آمیز نسبت به یکدیگر اجتناب کنند. رعایت این اصل باعث می‌شود تا طرفین از حالت تدافعی بیرون آیند و زمینه برای همراهی و ایجاد تفاهم فراهم شود. در قرآن کریم نیز خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام و حضرت هارون علیه السلام می‌فرماید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه: ۴۴)؛ پس با نرمی با او (فرعون) سخن بگوئید؛ شاید متذکر شود یا [از خدا] بترسد.

با نگاهی به مناظره‌های امام رضا (ع) و نوع عبارات، جمله‌ها و کلمات استفاده شده توسط ایشان به‌خوبی روشن می‌شود که حضرت علاوه بر توجه به سطح درک و فهم مخاطب خود در مناظرات، به فطرت و دل آنان نیز توجه تام و کاملی داشته است. بر همین اساس، حضرت همواره در تمام مناظرات خود، جهت تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر طرف مقابل، مطالب و سخنان خود را به‌صورت ملایم، نرم و در قالبی موزون بیان کرده و از ارائه سخنان و مفاهیم ناراحت‌کننده به‌شدت امتناع کرده است. جلوه این اصل در مناظرات امام رضا (ع) شوق و تمایل طرف مقابل برای ادامه بحث با ایشان است. بیانات حضرت به میزانی در مخاطب اثر می‌گذاشت که با پایان یافتن جملات ایشان، مخاطب وی مشتاقانه به شنیدن مطالب بیشتری اصرار داشت. برای نمونه سخنان نرم حضرت در مناظره با سلیمان مروزی آن‌چنان در وی اشتیاق ایجاد می‌کند که از امام (ع) می‌خواهد تا دربارهٔ بده توضیحات بیشتری بدهد (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

۴- نتیجه‌گیری

مناظره، یکی از مهم‌ترین توصیه‌های دین مبین اسلام و از ابزارهای به کار گرفته شده از سوی پیامبران و معصومان (ع) برای اثبات حقانیت دین اسلام و روشنگری مردم به‌منظور هدایت آنان است. با توجه به موقعیت خاص زمانی دوران امام رضا (ع) همچون: ظهور فرقه‌های جدید کلامی و اقدام مأمون به برگزاری جلسات مناظره و دعوت از امام رضا (ع) در این جلسات، شاهد مناظرات متعددی از سوی ایشان با مخالفان هستیم. با توجه به آن‌که هدف امام رضا (ع) از پذیرش و ورود به مناظره، روشنگری و هدایت مخاطب خود بوده است، بنابراین ایشان در همه مناظرات، مقید به اصولی بودند. با بررسی دقیق این مناظرات می‌توان این اصول را به دو اصل کلی به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد.

۱. اصل علمی - منطقی شامل: استفاده از برهان و استدلال؛ اجتناب از مغالطه در بحث؛ تکیه بر اصول مشترک؛ احاطه کامل بر موضوع بحث؛ استفاده از پرسش و پاسخ؛ رعایت سطح فکری مخاطب؛ برخورداری بحث از نظم و ساختار منطقی؛ استفاده از مطالب گویا و رسا و ادامه مناظره تا اقناع و پی بردن حریف به جزئیات مسئله.

۲. اصل اخلاقی شامل: پرهیز از نقد شخصیت طرف مقابل؛ پرهیز از تعصب و لجاجت؛ سعه صدر و تحمّل عقاید مخالف؛ رعایت انصاف؛ رعایت ادب، تکریم و احترام متقابل؛ تواضع، فروتنی و پرهیز از غرور؛ استفاده از بیان نرم و آرام.

منابع

* قرآن کریم

۱. نهج البلاغه

۲. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۳۸۷ ش)، التوحید، ترجمه: محمدباقر آقاجانی، قم: مکتبه الصدوق.

۳. _____، (۱۴۰۴ ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت: مؤسسة الأعلمی المطبوعات.

۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (بی تا)، المناقب آل ابی طالب، قم: مطبعة العلمية.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۶. ابن واضح، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۷۵ ق)، تاریخ یعقوبی، نجف: مکتبه الحیدریه.

۷. احمدی، حبیب الله، (۱۳۸۸ ش)، امام رضا الگوی زندگی، قم: فاطیما.

۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.

۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ش)، شمس الوحی تبریزی، قم: اسراء.

۱۱. جوینی شافعی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، الکافیة فی الجدل، بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

۱۳. خسروی، موسی، (۱۳۷۹ ش)، احتجاجات، تهران: انتشارات الاسلامیة.

۱۴. خندان، علی اصغر، (۱۳۹۱ ش)، مغالطات، قم: مؤسسه بوستان کتاب.



۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۱ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت نامه دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.
۱۷. سجادی، جعفر، (۱۳۶۶ ش)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۱۸. شهروزی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۷۲ ش)، شرح حکمة الإشراق، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۹. شیرخانی، بنیامین، (۱۳۸۹ ش)، پرسشگری در قرآن، تهران: هزاره ققنوس.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۷۸ ش)، عیون أخبار امام رضا علیه السلام، تهران: جهان.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۱ ش)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه: بهراد جعفری، تهران: الاسلامیه.
۲۲. _____، (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه: نظام الدین احمد غفاری، تهران: مرتضوی.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۳۸ ش)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
۲۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
۲۵. عطاردی قوچانی، عزیزالله، (۱۳۸۸ ش)، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، تهران: عطارد.
۲۶. علیزاده، مهدی و دهقانی فیروزآبادی، وحید، (۱۳۹۸ ش)، «اخلاق مناظره علمی در سیره امام رضا علیه السلام»، حوزه اخلاق، سال نهم، شماره ۳۶، ص ۱۱-۳۸.
۲۷. قمی، عباس، (۱۴۱۴ ق)، سفینه البحار، قم: اسوه.
۲۸. قرشی، محمدباقر، (۱۳۸۲ ش)، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ترجمه: سید محمد صالحی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحديث.

۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۲. مجیدی، حسن، (۱۳۹۲ ش)، «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (ع)»، فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۲، ص ۹-۳۹.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷ ش)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

۳۴. _____، (۱۳۸۸ ش)، مناظرات تاریخی امام رضا (ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۳۵. هاشمی اردکانی، سید حسن و میرشاه جعفری، سیدابراهیم، (۱۳۸۷ ش)، «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم (ع)» (مطالعه موردی: مناظرات علمی امام رضا (ع))، تربیت اسلامی، شماره ۷، ص ۷-۲۱.

